

فرمانده کل فرانسه از خطر بیکه بواسطه ضعف مرکز نیرو متوجه بود ، چنانکه قبلاً دیدیم ، بوسیله تقویت ارتشهاییکه مرکز مزبور را تشکیل میدادند ، بموقع جلوگیری کرده بود ما ضمناً خاطر نشان خواهیم کرد این قوای کمکی که بموقع رسیده بود چه وزن سنگین را در تعادل قوا داشت .

اما مخاطره مربوط باحتر از دشمن از مانوریکه برای او تهیه میشد ، تا حدی مربوط بمتفقین نبود : چه آلمانها هنوز آزادی مانور خود را تمام و کمال در دست داشتند . ولی ، از ۳۰ اوت علامت و آناری مشهود بود دایر بر اینکه دشمن حاضر است مطابق تمایل فرماندهی فرانسه عمل کند .

۲ - فرماندهی آلمان از ۲۷ اوت تا ۵ سپتامبر

در ۲۷ اوت ، فردای روز نبرد سرحدات فرمانده کل نیروی آلمان دستور عمومی ذیلرا صادر نمود :

« از نیروی فرانسه ، لااقل ارتشهای شمال و مرکز ، در سمت جنوب غربی و مغرب بطرف پاریس در حال عقب نشینی کامل هستند . محققاً در عرض راه خود مقاومت شدیدی بعمل خواهند آورد . تمام اطلاعات واصله از فرانسه مدلل میدارد که منظور مبارزه فرانسویها گذراندن وقت است ، مخصوصاً باین قصد که قسمت اعظم نیروی آلمان را در جبهه فرانسه برای تسهیل تعرض روسها معطل سازند .
بنابر این بایستی نیروی آلمان بدون تأخیر بسمت پاریس رهسپار شود بطوریکه ارتشهای فرانسه هیچگونه مجالی داده نشده و از تنسيق خطوط جدید آنها مانع شده و حتی الامکان قسمت اعظم وسایل عملیات از کشور سلب گردد .

بالتبعه بایستی :

۱ - ارتش یکم ، که سپاه ۲ سوار ضمیمه آنست در مغرب رود او آزمقابل سن سفلی حرکت کند . ارتش مزبور باید قادر باشد در عملیات ارتش ۲ شرکت نماید . بعلاوه ارتش مزبور مأمور است جناح تمام آرایشرا پوشاند .

۲ - ارتش ۲ ، که سپاه ۱ سوار تابع آنست بسمت پاریس در جبهه لافر - لائون (La Fère-Laon) پیش روی کند . سپاه ۱ سوار در جبهه ارتشهای ۲ و ۳ با کتشافات پردازد .

۳ - ارتش ۳ حرکت خود را بجلو در جبهه لاگن - کی نی کور - Laon (Guignicourt - بطرف شاتو نیری (Château - Thierry) ادامه دهد ،
۴ - ارتش ۴ از طریق رنس (Reims) بطرف ایرنه (Epernay) پیشروی کند .
۵ - ارتش ۵ با نظرف خط شالون - ویتری لوفرانسوا (Châlons - Vitry le-François) حرکت نماید . ارتش مزبور ، بمنظور حفظ جناح آرایش ، سمت چپ رده بندی کند ، تا موقعیکه ارتش ۶ بتواند این مأموریت را در مغرب موز تا مین نماید .
ارتش مزبور بایستی وردن را محاصره کند ،

۶ - ارتش ۶ ، ارتش ۷ و سپاه ۳ سوار بایستی ، با حفظ ارتباط با مس از پیشروی دشمن در لرن و آلاس علیا جلوگیری کنند .

اگر دشمن عقب نشست ، ارتش ۶ که سپاه ۳ سوار را در اختیار دارد ، از رود موزل (Moselle) بین تول و اینال عبور کرده و بطرف نوشاتو رهسپار گردد ؛ ارتش مزبور از آن موقع بایستی جناح آرایش کلی را بپوشاند ،

۷ - ارتش ۷ فعلاً تحت امر ارتش ۶ باقی بماند . اگر ارتش ۶ از موزل عبور کرد ، ارتش ۷ مستقل گشته و آنگاه از هر گونه تجاوز دشمن بین اینال و سرحد سویس جلوگیری خواهد نمود .

محمّل است مقاومت شدید دشمن نخست در کنار رود ان و سپس در کنار

رود مارن تغییر سمت ارتشها را از جنوب غرب بطرف جنوب ایجاب کند .

برای اینکه فرانسویها در تجدید تنسیقات و آرایش مقاومت مؤثری مجال نیابند ، حرکت فوری نیروی آلمان بدینوسیله مقرر و مخصوصاً ضرورت آن تأیید میگردد .

هرگونه قیام و عصیان اهالی بایستی در همان مقدمه اش خفه و خاموش شود .

تکته اساسی دستور مزبور اینست که ارتش ۲ آلمان ، که یهلوهاپس توسط ارتش یکم و سوم پوشیده شده بود ، بسخت پاریس بتعاقب جناح چپ دشمن اعزام گردیده بود . در این موقع ، قوای مجهز متفقین از طرفی و پایتخت فرانسه از طرف دیگر برای آلمانها و هدف مترادف تشکیل میداد . احتمال تغییر سمت بطرف جنوب در صورتی منظور نظر بود که نیروی فرانسه وانگلیس سمت خود را تغییر میداد (زیرا نخستین منظور آلمانها این بود تا وقتیکه متفقین را نیست و ناپود نکرده اند نگذارند فرصت و مجالی پیدا کنند) .

ولی روز ۳۱ اوت ژنرال مونوری (Maunoury) فرمانده ارتش ۶ که قوایش بناحیه کلرمن (Clermont) عقب نشسته بود به فرمانده کل گزارش ذیل را میدهد : « ارتش یکم آلمان ، با لشکرهایی از سوار نظام که در پیشاپیش آن قرار گرفته اند ، حاضر میشود با قوای عمده خویش بین نویون (Noyon) و کمپین (Compiègne) از اوآز (Oise) عبور کند ، در حالیکه با قسمتی از قوای خود که از ناحیه سن ژوست آن شوسه (Saint-Just-en-Chaussée) و موندیدیه (Montdidier) میآمد جلوی مرا حائل نموده است » .

اگر بخاطر پیاوریم که ارتش یکم آلمان سن سفلی (la Basse-Seine) را هدف خود قرار داده بود از حرکت فوق آن متعجب خواهیم شد . پس باعث این حرکت چه بود ؟ معلوم گردید که کلوک بارتش مونوری اهمیت نداده (همانطوریکه بجائز لشکرهای پاسبان ژنرال داماد نیزاعتنا نکرده بود) قوای انگلیس را که آنرا جناح چپ متفقین فرض میکرد ، تعاقب مینمود . (ارتش مزبور هم فی الواقع تا ۳۵ اوت جناح چپ را تشکیل میداد) ، و ما قبلاً دیدیم که قوای فرنچ از روز ۲۶ اوت درست جنوب بطرف سوانسن و بعد ها بطرف مو (Meaux) رهپار شده بود . اینطور بنظر میرسد که فرمانده کل آلمان بانظریه فرمانده ارتش یکم موافقت داشت ، چه روز ۲ سپتامبر ملتکه بوسیله بی سیم دستور ذیل را بعنوان ژنرال یولو و کلوک صادر می نمود :

منظور فرماندهی کل راندن فرانسویها بجنوب شرقی پاریس است. ارتش یکم در تعقیب ارتش ۲ بحال رده حرکت خواهد کرد. ارتش مزبور نیز مأموریت دارد جناح ارتشها را هم پوشاند.

بدین طریق، تغییر سمت ارتشهای آلمان بسمت جنوب که در دستور ۲۷ اوت محتمل الوقوع مینمود، اینک صورت قطعی بخود گرفته بود.

عملیاتی که فرماندهی کل آلمان در این موقع در نظر میگرفت عبارت بود از اجرای کامل همان نقشه بدوی یعنی: تجاوز بجناب چپ دشمن و راندن آن برحد سویس، همانطوریکه آلمانها در سال ۱۸۷۰ ارتش ماکماهن (Mac-Mahon) را برحد بلژیک رانده بودند.

آیا میتوان این تصمیم را از لحاظ آلمانها برای تعقیب و درهم شکستن دشمن بوسیله قوای مجتمع بهترین تصمیمی دانست؟ آیا مفیدتر نبود که بوسیله حمله ناگهانی پایتخت فرانسه را بتصرف در آورد؟ ولو اینکه این عمل باعث کاسته شدن فشار وارده بدشمن باشد؟

ما تصمیم فرماندهی آلمان را بدون آنکه مورد بحث قرار دهیم شرح میدهیم، ولی موضوع مهمی که بایستی تذکر داده شود اینست که ملتکه در موقع اتخاذ تصمیم مجبور بود یکی از دو شق را انتخاب کند: زیرا وسیله نداشت که بتواند در آن واحد هر دو هدف یعنی قوای متفقین و پاریس را مورد توجه قرار دهد.

فی الواقع هنگامیکه فرمانده کل نیروی فرانسه جداً مشغول تقویت جناح چپ خود بود ارتشهای آلمان جناح راست خود را متدرجاً ضعیف میکردند.

روز ۲۶ اوت روسها که هنوز تجهیزات و آرایششان خاتمه نیافته بود با یک روح همکاری و همدردی نامی اقدام بتعرض نمودند: با ضربت اول، اطریشها را در گالیسی مغلوب کرده و داخل پروس شرقی شدند، فرماندهی عالی آلمانها مضطرب گشته و در اواخر ماه اوت ۲ لشکر پیاده از سپاه ۱۱ (ارتش ۳) و ۲ لشکر پیاده از سپاه احتیاط گارد (ارتش ۴) برداشت کرده و بجهت شرق اعزام داشت.

از طرفه دیگر آلمانها از موقع تهاجم و ریختن به بلژیک قوای مهمی در عقب
سرخود قرار داده بودند .

ارتش یکم : سپاه های ۳ و ۹ احتیاط را مقابل آنویس و یک لیب از سپاه ۱ احتیاط
دور و کسل گذاشته بود .

ارتش ۲ سپاه ۷ احتیاط و یک لیب از سپاه ۷ را برای محاصره موبوژ (Maubeuge)
مأمور کرده بود .

بدین طریق ، سه ارتش جناح راست آلمانها ضعیف شده بود ؛ چه ۱۱ لشکر پیاده
(۵ سپاه و ۳ لیب) موقعی که با اجرای مأموریت جدیدی مواجه میگردد دیدند از آنها
کسر شده بود .

فن ملتکه پس از گرفتن تصمیم ، خطری را که بواسطه حرکت در مسافت نزدیک
از مقابل جبهه شرقی اردوگاه مستحکم پاریس متوجه جناح راست او میگردد در نظر
گرفته بود . ما دیدیم که مشارالیه در حکم ۲ سپتامبر برای جلوگیری از این خطر
بارتس یکم (که سپاه ۲ سوار را در اختیار داشت) امر داده بود در جناح راست ارتش
۲ بحالت رده حرکت کند .

ولی کلونگرانی رئیس خود را نداشت و با لا اقل زائد میدانست ارتش خود را
تماماً برای مأموریت پوشش تخصیص دهد . روز ۳ سپتامبر بعد از ظهر گزارش ذیل را میداد :
« ارتش یکم امروز از رودخانه مارن عبور میکند . علامت جزئی از تزلزل روحیه
دشمن مشهود است . عناصر مقدم من در خط لافرنه - شاتونیری از مارن گذشتند .
فرانسویها دور جناح شرقی خودشان یک جزخشی اجرا میکنند . انگلیسها در شمال
کولومیه (Coulommiers) هستند . ارتش یکم فردا پیش روی خود را بجلوی
مارن از خط ریه - من میرای (Rebaix-Montmirail) ادامه خواهد داد .
فرمانده سپاه ۲ سوار آلمان ژنرال مارویتس (Marwitz) هم در پوشش
آرایش کلی مقابل پاریس پیش از رئیس خود اقدام نکرده بود . مشارالیه قوای

همه خود را (۲ لشکر سوار) بجنوب مارن برای کشف جناح چپ فرانسه کسبل داشت و فقط لشکر ۴ سوار را بین او آزومارن قرارداد بود. کلوک با آن نزدیک موافقت کرده روز بعد (۴ سپتامبر) او را بطرف پروون (Provins) سوق داد، درحالیکه خود او ۴ سپاه بمعا بر رودخانه گران مورن (Grand-Morin) بین استرنه (Esternay) و کولومیه (Coulommiers) کسبل داشت. فقط سپاه ۴ احتیاط که در انتهای جناح راست او بود بمشرق مو (Meaux) حرکت کرده و در وضعیتی بود که میتواند با اردوگاه مستحکم پاریس مواجه شود.

بطور خلاصه، ارتش یکم آلمان بعوض آنکه مطابق میل ملتکه در عقب جناح راست ارتش ۲ رده بندی کند در جلوی آن بحال رده واقع شده بود.

مذلك فرماندهی کل آلمان اطلاعاتی دریافت کرد که عقیده او را نسبت بمخاطریکه در جناح راست وی تهیه میشد تأیید میکرد.

روز ۴ سپتامبر، درحالیکه کلوک نسبت باوامر مافوق سرپیچی کرده بود، ملتکه حکم مقدماتی ذیل را مخایره میکرد:

«لوگزامبورگ ۴ سپتامبر، ساعت ۱۹.

ارتشهای ۲ و ۱ با بستی مشترکاً برضد جبهه شرقی پاریس بعملیات مبادرت کنند.

ارتش یکم، بین او آزومارن، معا بر مارن را در مغرب شانو تیری نگاهداری کند؛ ارتش ۲

نیز معا بر رود سن را بین نوژان (Nogent) و مری (Méry) حفظ نماید.»

کلوک در مقابل این امر صریح که مأموریت او را تعیین کرده بود اعتراض کرد.

روز ۵ سپتامبر مقارن ساعت ۱۰ مشار الیه گزارش مفصل ذیل را برای مدلل ساختن

عقیده خود بوسیله بی سیم مخایره نمود:

«در اجرای اوامر سابق فرماندهی کل، ارتش یکم از خط ربه - مونمیرای

(Rebais - Montmirail) مشغول پیشروی بطرف رود سن است. دو سپاه در هر

دو ساحل مارن پوشش سمت پاریس را همده دار هستند. دشمنان ما تا کنون عقب

رانده شده ولی بهیچوجه مغلوب نگرددیده و مشغول عقب نشینی بسمت نوژان (Nogent) میباشند. تعاقب آنها تا رود سین موجب تلفات سنگین آنها خواهد گردید. اهمیت ندادن بارش دشمن که هنوز کاملاً قادر بمبارزه است و منحرف کردن ارتشهای یکم و دوم عواقب بدی خواهد داشت. من پیشنهاد میکنم که نخست دشمن تا رود سین تعقیب شود و متعاقب آن بمعاصره پاریس اقدام گردد. اگر مطابق امر صادره بمعاصره مبادرت شود دشمن در اجرای حرکات خود آزاد خواهد بود.

ولی فرماندهی کل آلمان نظریه خود را محفوظ داشت: زیرا در این بین مخصوصاً از ارتش ۲ اطلاع حاصل کرده بود که مطابق گزارش هوا پیمائی آن ارتش قطارهای متعددی از مقابل جبهه او از شرق بغرب بسرعت در حرکت هستند. فن ملنکه دستور ذیل را، که حاکی از واژگون شدن نقشه آلمانهاست، در شب ۵ سپتامبر بامضاء امپراطور میرساند:

«دشمن از مانور احاطه ای ارتشهای ۱ و ۲ رهائی یافته و با عناصر خویش بحوالی پاریس رسیده است.

در نتیجه اکتشافات و وصول اطلاعات از منابع دیگر اینطور برمیآید که دشمن از جبهه تول - بلفور قوای بسمت مغرب حرکت داده و از مقابل جبهه ارتشهای ۳، ۴ و ۵ نیز برداشتن قوا اقدام میکند.

دیگر ممکن نیست باین فکر بود که مجموع ارتش فرانسه در سمت جنوب شرقی بسرحد سویس فشرده شود. بلکه بایستی باین نکته توجه داشت که دشمن برای دفاع از پایتخت و تهدید جناح راست آلمان در حوالی پاریس به تنسيق مجدد و تجمع نیروی عمده ای اقدام خواهد نمود.

بنابراین ارتشهای ۱ و ۲ بایستی عمل مقابل شدن با پاریس را ادامه دهند. مأموریت آنها عبارت از این است که در مقابل عملیات دشمن که از پاریس مشهود گردد مقاومت نموده و یکدیگر را تقویت کنند.

ارتشهای ۴ و ۵ هنوز بادشمن مقتدری در تماس هستند. لهذا بایستی کوشش کنند مدام او را بسمت جنوب شرقی عقب برانند. بدین طریق راه ماوراء نزل پین تول

و اینک برای ارتش ۶ باز خواهد شد.

مأموریت ارتشهای ۷ و ۶ این است که کما فی السابق قوای را که در مقابل جبهه آنهاست وادار با استقرار نمایند؛ لذا بایستی هر چه زودتر بطرف نزل (Moselle) بین تول و اپینال (Toul-Epinal) حمله ور شوند.

ارتش ۳ در سمت تروا - واندور (Troyes-Vendeuvre) حرکت کرده و بنا بر مقتضیات اوضاع بسمت مغرب حرکت نماید تا اینکه ارتشهای ۱ و ۲ را در سمت رود سن پشیمانی کند و پادرمحاربات جناح راست در سمت جنوب یا جنوب غربی شرکت جوید.

بنا بر مراتب فوق اعلیحضرت امر میفرماید:

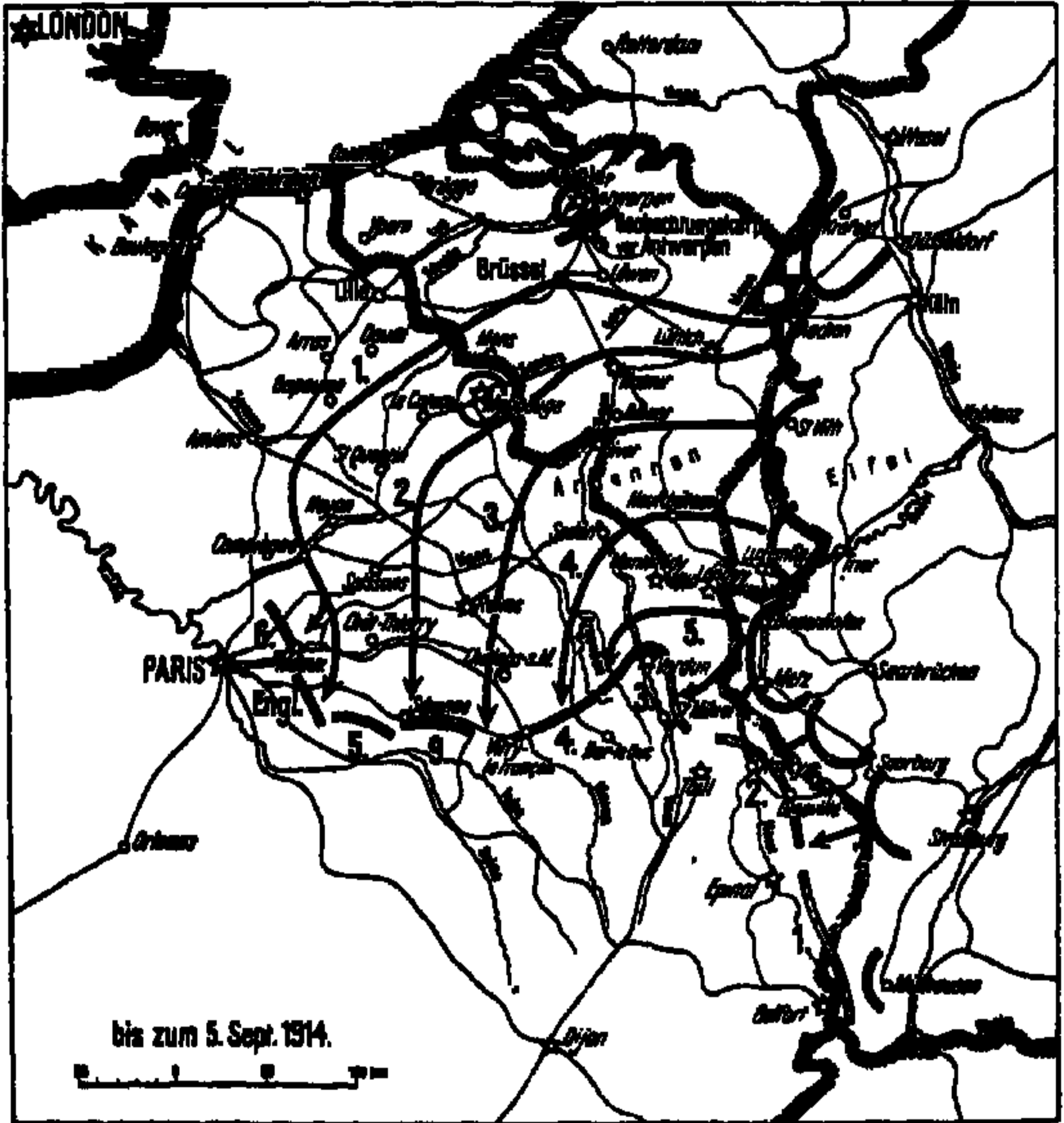
۱ - ارتشهای ۱ و ۲ در مقابل جبهه شرق پاریس قرار گیرند ، ارتش یکم بین رودخانههای اوآز و مارن ، ارتش ۲ بین مارن و سن ، سپاه دوم سوار با ارتش یکم و سپاه یکم سوار با ارتش دوم؛

۲ - ارتش ۳ سمت تروا - واندور حرکت کند؛

۳ - ارتشهای ۴ و ۵ بایستی با پیشروی بسمت جنوب شرقی ، راه نزل علیا را جهت ارتشهای ۶ و ۷ باز کنند؛ جناح راست ارتش ۴ بطرف وپتری لو فرانسوا (Vitry-le-François) و جناح راست ارتش ۵ بجانب روینی (Revigny) . سپاه ۴ سوار جلوی جبهه ارتشهای ۴ و ۵ را اکتشاف خواهد کرد.

۴ - در مأموریت ارتشهای ۷ و ۶ تغییری داده نمیشود .

بدین طریق ، دیگر موضوع تجاوز بجناح چپ نیروی فرانسه و فشردن توده خصم برحد سویس در نظر نبود. اینک منظور آلمانها این است که مرکز نیروی فرانسه را بشکافند و در عین حال در قبال خطر بیکه ، برای باز کردن راه نزل جهت ارتشهای ۶ و ۷ از پاریس متوجه است خود را حفاظت نمایند. اکنون که مانور احاطه ای توفیق نیافته بود بیکانه چاره باجرای ضربت مستقیم منحصراً میگشت. فرمانده کل نیروی فرانسه هم در روز ۲۲ اوت بهین طریق استدلال نموده بود. حمله عشارا به مرکز نیروی آلمان در آردن موفقیت حاصل نکرد. اینک ما خواهیم



يشروی نیروی آلمان در خاک فرانسه
 (وضعیت طرفین مقارن ۵ سپتامبر ۱۹۱۴)

(مقاله صفحه ۱۱۶)

دید که مانور آلمانها نیز بر ضد مرکز فرانسه کامیاب نمیشود و مانور احاطه‌ای فرانسه نسبت به جناح راست آلمان موفقیت حاصل خواهد کرد .
آنچه از تفصیل فوق برمیآید اینست که در اثر ابتکار (بلکه عدم انضباط) فرمانده ارتش یکم آلمان ، جناح راست آرایش آلمانها پوشیده نشده بود . لهذا ، غافلگیری ارتش کلوك بعد کامل خواهد رسید و شکستی که با و وارد خواهد شد باعث شکست مجموع قوای آلمان خواهد گردید .

نتیجه

راجع باین دو عملیات که ناقب و عقب نشینی است چه میتوان گفت ؟
پس از مقایسه با عملیات سابق میتوان گفت که اقدامات ژوفر در این مرحله مانند اقدامات 'ملتکه در مرحله اول بود . اقدامات 'ملتکه هم نظیر عملیات سابق ژوفر بود که در ضمن نتیجه مرحله اول بررسی کردیم .
اینک مشاهده میکنیم که فرانسویها در دو وهله اصول 'گازانبر استراتژیکی ، بکار بردند :
با مقیاس کوچکتري در نبرد شام بکار بستند و بعد کنار رودخانه های سن و اوب در صدد تهیه آن بمقیاس بزرگتری برآمدند .
از طرف دیگر می بینیم که ارتش آلمان با آنکه فقط بر طبق اصول 'گازانبر استراتژیکی ، تعلیم یافته بود معهنا مجبور شد که از آن اصل چشم پوشیده و بایجاد رخنه پردازد .
بدیهی است فرماندهی آلمان مرتکب خطاهای زیادی شد که بر اثر آن نقشه تبلیغی واژگون گشت .
فرانسویها اصول گازانبر را وقتی بکار میبردند که دشمن داخل آن میشد ولی آلمانها دندانهای گاز را موقعی که وضع تغییر یافته و دشمن حاضر بگر فوار شدن نبود و میتواند اراده خود را به آنها تحمیل کند روی فضای خالی هم میخواستند بهم متصل کنند ،

چه عادت بتعیب يك اصل بخصوصی داشتند که سالیان دراز يك جانبه روی آن تعلیم یافته بودند .

چنانکه فرانسویها اظهار میکنند استراتژی «خشن» آلمان در این مرحله با استراتژی قابل انعطاف فرانسویها مصادف شد ولی بالاخره هم بزبان فرانسویها تمام نشد .

فرانسویها نتیجه این مرحله را اینطور شرح داده اند :

« بطوریکه دیده میشود مُلنکه از مانور تجاوزی که در نقشه بدوی عملیات پیش بینی شده بود صرف نظر کرد ، زیرا اکنون خود ارتش آلمان در تهدید احاطه واقع شده بود .

باین ترتیب برای فرماندهی کل آلمان فقط يك راه چاره وجود داشت که آنهم عبارت از شکافتن مرکز نیروی فرانسه با يك ضربت جبهه ای جهت باز کردن راه مُزل علیا (Haute-Moselle) برای ارنشهای سمت چپ بود و در عین حال تأمین خود از خطر حمله ای که احتمال میرفت از سمت پاریس اجرا شود ، بهمان طریقی که فرمانده کل نیروی فرانسه در مصادف بنظیر همین وضیعت روز قبل از نبرد سرحدات استدلال کرده بود .

اینک خواهیم دید که ضربت مستقیم آلمانها مانند ضربت روز ۲۲ اوت فرانسویها موفقیت پیدانمیکند و این عدم موفقیت آلمانها یکی از علل فتح فرانسویها بشمار خواهد رفت ولی نه علت اصلی .

لیکن علت اساسی این فتح را باید غافلگیری جناح راست آلمانها دانست . این غافلگیری ناشی از تدابیر ژنرال ژوفر است که زمینه آنرا از روی فرصت و حوصله فراهم ساخته بود . علاوه ، امکان غافلگیری مزبور مدیون این پیشآمداست که مُلنکه و کلونگ هیچیک نتوانستند بموقع مطلوب حضور ارتش ۶ فرانسه را کشف کنند .

صحنه شرق : عملیات در پروس شرقی

نبرد تالین برگ (Tannenberg) (نقشه شماره ۱۰)

در ۲۳ اوت هنگام ورود ژنرال هیندنبورگ (Hindenburg) به بیبه شرق ، يك ارتش روس تحت فرماندهی ژنرال رنن کامپف (Rennenkampf) بتانی در عقب ارتش آلمان که پس از نبرد کومبی نین مشغول عقب نشینی بود پیش میرفت ، ولی هنوز به اینستر بورگ (Insterburg) نرسیده بود ، اما ارتش نارو (Narew) تحت فرماندهی ژنرال سامسوف (Samsonow) نیز بخط ارتلسبورگ-نیدنبورگ-سلدائو (Ortelsburg-Neidenburg-Soldau) رسیده و از خط سپری که مرکز فرماندهی برای او معین کرده بود بسمت مغرب بجانب راستن بورگ - ژا بورگ - (Rastenburg-Zeeburg) منحرف میشد .

ارتش ۸ آلمان روز ۲۳ اوت بجانب ویستول عقب نشینی میکرد و تقریباً تا حدود اینستر بورگ (Insterburg) رسیده بود ، ولی بر حسب تقاضای ژنرال لودندرف (Ludendorff) در همان حدود متوقف گردید و فقط سپاه یکم برای رفتن بعقب آماده میشد .

سپاه بیستم آلمان با قسمتهای منظم آن دره قابل حملات ارتش سامسوف عقب نشینی کرده و در مشرق کیلگن بورگ (Gilgenburg) توقف کرد . در همان روز حکمی برای لودندرف آوردند که در کیف يك افسر مقتول روسی پیدا شده بود و از آن حکم تمام نبات و مقاصد فرماندهی روس و آرایش نیروی او کاملاً معلوم و معین میگردد . (۱)

شاید از همان تاریخ تمام دستور ابراهم که رمز ابوسیله بی سیم بارتش روس مخا بره میگردد و کشف آن هم چندان اشکالی نداشت باو می رساندند . (۲) از قرار اظهار اشخاصی که حضور داشتند لودندرف با کمال اضطراب و بی صبری در انتظار رسیدن

(۱) Hindenburg. Aus Meinem Leben .

(۲) Ludendorff. Souvenirs de guerre 1914-1918

مظاهرات مزبور بوده و تا وصول آن هیچگونه دستوری برای روز بعد صادر
نمیکرده است.

بنا بر این میتوان استنباط کرد که اظهار لودندرف راجع به تقسیم نقشه برداران برک
بین روزهای ۲۴ و ۲۶ مبتنی بر چه اساس بوده است.

و نیز آن تهور و شهادتی که هیندنبورگ در ریختن قوای خود جمیدان نبرد
نشان داد و تمام نظامیان حقیقی را از آن مانور در شکست و تحسین آورد رنگ
دیگری بخود بیگیرد، چه قضایای مزبور مبتنی بر مسائلی بود که مانور هیندنبورگ را
بیک نمایشی مبدل می ساخت.

هیندنبورگ موقع ورود خود بجهت شرق گذشته از قسمتهائی که در جلوی
رنن کامپ عقب نشینی میکردند و سپاه ۲۰، بک گروه دیگری که قوی و قادر
بمعرض بود و از ساخلوی های قلاع حدود ویستول بسمت مشرق ترن (Thorn) مجزا
شده بود در اختیار خود داشت.

با ترتیب فوق بطور طبیعی در جناحین ارتش متعرض سانسو ق دو گروه ارتش
تشکیل یافته بود که بخودی خود برای اجرای نقشه دکان شلیفن، حاضر و آماده
بودند. از طرفی نیز خطوط مفصل راه آهن فرماندهی آلمان اجازه میداد که ارتش
خود را بمیل و دلخواه تقسیم بندی کند.

از مسائلی که باعث نگرانی هیندنبورگ میشد یکی موضوع سپاه بیستم بود که با
اجرای عملیات در جبهه سانسو ق بتواند مأموریت خود را در مدت چند روزیکه
برای مانور لازم است انجام دهد، و دیگری حرکت قسمتهائی بود که بجهت نارو
منتقل میشدند که بتوانند از جبهه رنن کامپ خود را جدا سازند.

هیندنبورگ دستورات مانور را بر طبق تعلیماتی که بارنهای روس داده میشد
و به وسیله بیسیم با او مخاطب میکردید، صادر میکرد. پس بهتر آنستکه موضوع مانور را
از سمت روسها بطور اختصار شرح دهیم:

چنانکه قبلاً تذکر دادیم بین فرماندهی جبهه و ارتش دوم اختلافات اساسی
بواسطه اشتقاق به سمت عمومی عملیات وجود داشت؛ چه سانسو ق میخواست ارتش

آلمان را که در مقابل رنن کامپف عقب نشینی میکرد بیشتر احاطه کند و جناح چپ خود را در مقابل گروه مذکور از ساخلوی قلاع فوق بهتر تأمین نماید لذا ارتش خود را بسمت غرب میبرد در سورنیکه ژیلینسکی آنرا بطرف شرق میکشاند.

بهمن جهت روز ۲۳ اوت ارتش دوم روس که از ۱۴ سپاه و ۳ لشکر سوار مرکب بود، بطرف شمال شرق تغییر سمت داده و بنا بود که با تأمین جناح چپ خود در سولدائو (Soldau) به جبهه زِنسبورگ - آالنشتین (Sensburg-Allenstein) پیشروی کند. حرکت سپاه ها با جبهه های عریض در يك خط انجام میگرفت، قرات آنها نیز بواسطه عدم انتظامی که در امور عقب سر ارتش برای حمل ما محتاج و ندادار کات حکمفرما بود پنهان خسته و فرسوده بودند.

روز ۲۴ اوت فرمانده جبهه بالاخره موافقت کرد که خط سیر تعرض ارتش بیشتر بسمت غرب بجبهه آالنشتین - اوستروده (Allenstein-Osterode) تغییر یابد ولی بشرط اینکه يك سپاه با سوار نظام برای پوشش فاصله بین آالنشتین و دریاچه ها مأمور شود. این موافقت باعث شد که سپاه جناحی (۶) از بقیه گروه پیش از دو منزل دور افتد و هر گونه ارتباط عملیاتی اوقف گردد.

دستورات فوق در واقع آخرین دستورانی بوده است که ژیلینسکی صادر نمود در سورنیکه دستورات بعدی او که سامسوف را بطور غلط نسبت بعملیات ارتش یکم متوجه و راهنمایی کرده بود حساب نشود چه آن ارتش را در تنقیب دشمن شکست خورده معرفی کرده و نیز قدغن نموده بود که از دادن يك روز استراحت در روز ۲۵ اوت بارتش فرسوده دوم خود داری شود.

روز ۲۵ اوت سامسوف سمت تعرض ارتش را بخط آالنشتین - اوستروده (Allenstein-Osterode) تغییر داد ولی سپاه ۶ کمانی السابق بسمت پشوفسبورگ (Bischofsburg) ، سپاه ۱۳ بسمت آالنشتین ، سپاه ۱۵ بطرف اوستروده (Osterode) با داشتن يك لشکر از سپاه ۲۳ بحال رده در عقب و سمت چپ خود پیش میروند و سپاه یکم در سولدائو (Soldau) مانده بود.

در واقع میتوان گفت که
با این طرز حرکت فقط دو سپاه
مرکزی با یکدیگر ارتباط
عملیاتی داشتند.

در همان روز ساسوف
از تمرکز و تجمع ارتشهای
دشمن در جناحین خود اطلاع
حاصل نمود.

دستورات هیندنبورگ
از قرار ذیل بود:

در مقابل قوای متراکم
سپاه های مرکزی ساسوف
یک مرکز تانک و نازکی که
ضعیف هم نباشد تشکیل شود
و در همان حال دو گروه



ژنرال فلد مارشال فن هیندنبورگ

فوق العاده سنگین مأمور حمله جناحین کردند.

بطور کلی در عملیات بر ضد سپاه ساسوف قریب ۶ سپاه آلمان
شرکت جستند.

در مقابل جناح چپ ارتش ساسوف: یک سپاه در نزدیکی دوچ ایلاو
(Deutsch-Eylau) و گروه قوی ساخلو های قلاع در استراسبورگ -

(Strasbourg) و لااون برگ (Lautenberg) تمرکز یافته بود. تمام این قسمتها

مأمور بودند که بسپاه یکم روس نزدیک سلدائو (Soldau) حمله کرده و آنرا بسمت

جنوب برانند و حرکت خود را بطرف یندنبورگ (Neidenburg) ادامه دهند.

بر ضد جناح راست ساسوف: سپاه یکم احتیاط و سپاه ۱۷ آلمان مأمور عملیات شدند

که از ناحیه بارتنشتین - گروداوین (Bartenstein-Gerdauen) بطرف پیشو فسبورگ



ژنرال لودندرف

(Bischofsburg) برگشته

و سپاه ششم روس را بسمت

جنوب رانده و با حرکت بجهت

وارتنبورگ (Wartenburg)

پاسن هایم (Passenheim)

دائرة محاصره را بر ارنشهای

روس بستند.

تمام وقایع برد کاملاً

بر طبق نقشه معینی صورت

گرفت. روز ۲۶ و ۲۷ اوت

آلمانها با قوای افزونتری

بهر دو سپاه های جناحی روس

در نزدیکی 'سلداتو و پیشو فسبورگ حمله ور شدند. (در 'سلداتو: بوسیله سپاه

یکم، ساخلو های قلاع و یک قسمت از سپاه ۴۲۰ در پیشو فسبورگ: بوسیله

سپاه ۱۷ و سپاه یکم احتیاط و قسمتهای ساخلوی لٹسن) در اثر حمله آلمانها

هر دو سپاه روس با کمال سرعت بسمت ملاوا (Mlawa) و جنوب 'ارتلسبورگ

(Ortelsburg) رانده شد و بدینوسیله برای آلمانها بستن دائرة محاصره بر روسها

امکان پذیر گردید. در همان حال سامسوف بواسطه بدی ارتباط مشغول صدور

تعلیمات برای پیشروی سپاه های مرکزی بود چه تصور میکرد که سپاه ۶ هنوز در

پیشو فسبورگ است در صورتیکه آن سپاه بسمت 'ارتلسبورگ عقب نشسته بود.

روز ۲۹ و ۳۰ اوت دو سپاه مرکزی روس (در نزدیکی هوهن شتین Hohenstein)

مجبور تسلیم شدند، و ژنرال سامسوف اتحار کرد در حالیکه دو سپاه ارتش رنن کامپف با وجود کندی حرکت خود بخط پریسین ایلانو - بشوفتین - (Pr.Eylau - Bischofstein) و سپاه سوار نظام به گونشتاد (Guttstadt) رسیده بود که تا آنستین فقط سی کیلومتر فاصله داشت .

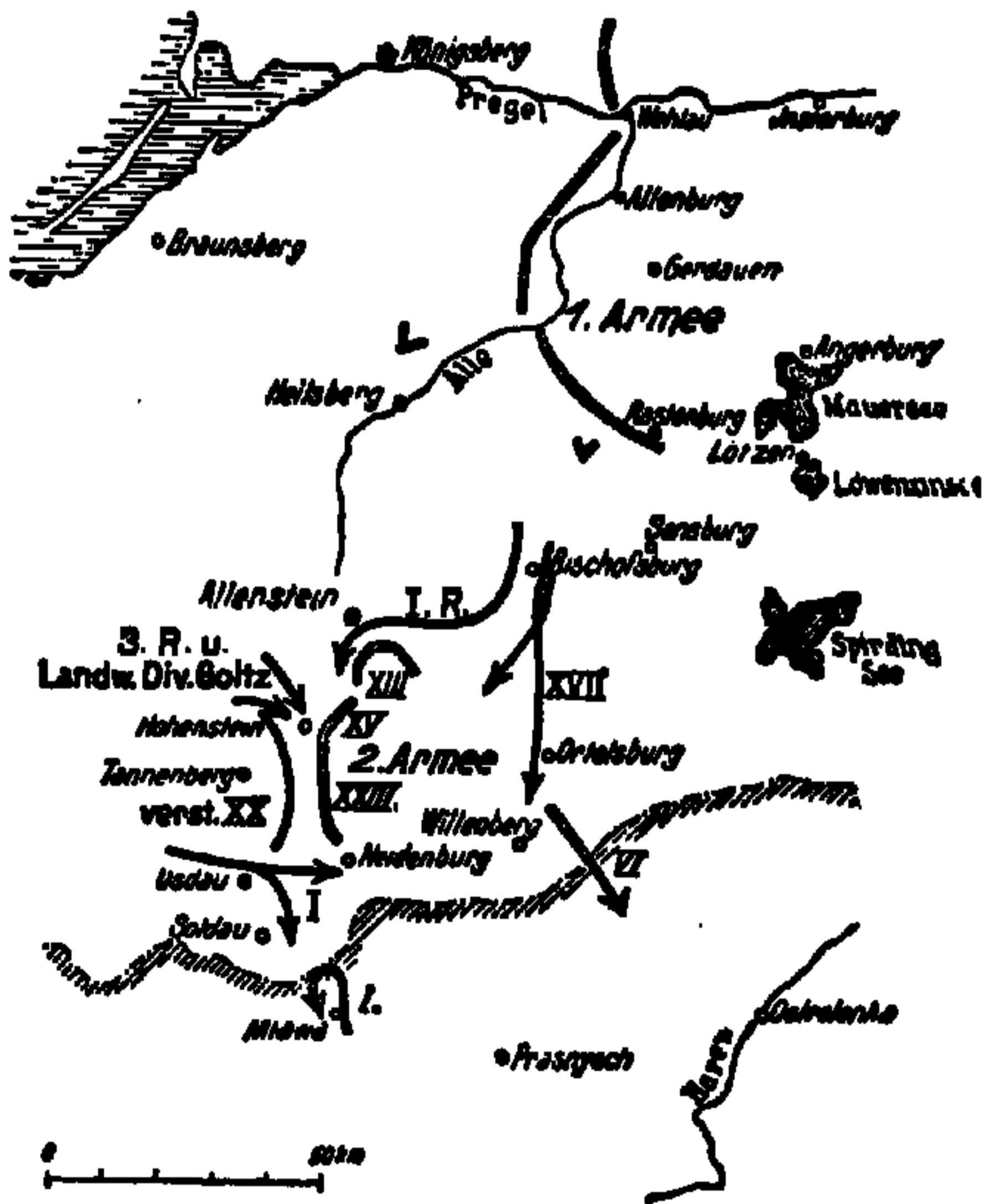
آلمانها در مقابل سامسوف بدرخشانترین فتح دوره جنگ بین الملل نائل گشتند، در این نبرد اقبال با هیندنبورگ بسیار یاری کرد چه با تمام این جریان اگر در یکی از قطعات جبهه او اندکی بخت نامساعد میگشت فتح هیندنبورگ بیک شکست مدهش و هولناکی مبدل میگرددید .

روز ۳۱ اوت هیندنبورگ گزارش ذیل را راجع ب نتیجه نبرد تانن برگ بعرض امپراطور خود رسانید :

« با کمال افتخار بعرض پیشگاه اعلی حضرت همایونی برساند که خط محاصره ما دیروز از هر طرف بر روی قسمت اعظم ارتش روس بسته شد . سپاه ۱۳ و سپاه ۱۵ و سپاه ۱۸ دشمن به کلی معدوم شدند . تا بحال بیش از ۶۰،۰۰۰ نفر اسیر گرفته ایم که فرماندهان سپاه ۱۳ و ۱۵ نیز جزو آنهاست ، توپ های دشمن هنوز در جنگلها متفرق مانده و بزودی جمع آوری خواهند شد . غنائم جنگ که شرح جزئیات آن فعلاً نامقدور میباشد حائز اهمیت فوق العاده است . سپاه یکم و ششم که از محاصره ما مصون ماندند بضایعات زیادی دچار شده باختلال و بی نظمی از طریق ملاوا و پیشی نیس (Myszyniec) عقب نشینی میکنند ، (۱)

در موقع خاتمه نبرد تانن برگ دو سپاه و قسمت سوار نظام از جبهه فرانسه بپروس شرقی وارد شد . آن قسمتهای جدید الورد پس از هلاکت سامسوف ارتشهای آلمان را در پروس شرقی بیشتر تقویت کرده و مقدرات رنن کامپف را هم قبلاً مین میگرد .

(۱) Hindenburg. - Aus Meinem Leben. p. 91.



نبرد تان برگ
 (مقابل صفحه ۱۹۲)

صحنه اطریش و روس (نقشه شماره ۱۱)

تا ۲۳ اوت در جبهه روس و اطریش در جنوب لوبلین بین قسمتهای مقدم ارتش ۴ روس و ارتشهای یکم و ۴ اطریش تصادفات جنگی بوقوع پیوست که در نتیجه آن روسها از ضربتی که اطریشها میخواستند بین ویستول و لوبلین بروسها وارد آورند آگاه شدند .

سه ارتش دیگر جبهه جنوب غربی روس در آن موقع در حال تقرب بدشمن بود ، و گروه لایبرگ اطریشها مانور جناح چپ ارتشهای آنها را تأمین میکرد .

عملیات گروه های غربی روس تا عملیات توماشو (Tomaszow)

نظر بتغییری که در اوضاع حاصل شده بود فرماندهی جبهه روس روز ۲۳ اوت

دستورات جدیدی صادر نمود :

« چون کشف شده است که حدود آرایش نیروی اطریش از محلی که قبلاً تصور میگرفت بطرف مغرب واقع است لذا ارتشهای ۴ و ۵ روس میبایستی بازو چپ نموده و پیشروی را ادامه دهند . و ارتشهای ۳ و ۸ خط رودخانه استریا (Strypa) را اشغال کنند . در همان موقع برای تأمین عملیات از ناحیه ساحل چپ ویستول علاوه بر سوار نظامی که در آنجا موجود بود سپاه جدید الورد (سپاه ۳ قفقاز) نیز بسمت ایوانکورود (Iwangorod) اعزام گردید .

فرماندهی اطریش هم از طرف خود ارتش یکم را که از سان (San) عبور کرده بود بجبهه ویستول - فرامپل (Vistule - Frampol) فرستاد ، ضمناً یک سپاه کامل را بفاصله بازی که بین ویستول و لوبلین وجود داشت متوجه کرد ، و ارتش ۴ را که بوسیله سپاه جدید تشکیل تقویت شده بود بجبهه یارچوو - توماشو - رودکا (Iartchov - Tomaszow - Roudka) اعزام داشت .

بطریق فوق در اینجا میبایستی ارتشهای ۴ و ۵ روس با ارتشهای یکم و ۴ اطریش درگیر شوند و این درگیری هم جنبه تصادفی داشت ولی در آن واحد نیز

صورت نسیگرفت چه جناحهای شرقی طرفین پیش از جناحهای غربی از هم دور بودند .
گروه لامبرگ اطریشها کما فی السابق جناح راست ارتش و اطریش را
تأمین میکرد .

از روز ۲۳ اوت برده هفتگی گالیسی که درجههٔ قریب به ۴۰۰ کیلومتر طول
بسط داشت در دو سمت عمودی شروع شد و عبارت بود از چندین عمل مانوری
غامض و محاربات ساده فی .

اولین محاربات در جبههٔ ارتش و روس و ارتش یکم اطریش بوقوع پیوست
و صمناً این ارتش اطریش پس از پیشروی جدی در طول و بستول بجناح راست
روسها حمله ور شد .

در نتیجهٔ محاربات مزبور ارتش و روس روز ۲۶ اوت بسمت لوبلین عقب نشست ،
و جناح راست خود را طوری بمقب خم کرد که اولین در خطر قرار گرفت و جبههٔ
او تقریباً از 'و'ولنیتسی (Vonvolnityz) بسمت بلزیتسه - پیخووا - ژلکوکا
(Belzyce - Bikhova - Zolkevka) امتداد داشت .

این وضع صدور دستوراتی را برای تقویت ارتش و بوسیلهٔ سپاه هائیکه جهت
نهایم به روس شرقی در ورشو متمرکز شده بود و همچنین حرکت سریع
ارتش و روس را برای حمله بجناح اطریشها که ارتش و راتحت فشار فرار داده
بودند ایجاب میکرد .

در شب ۲۶ اوت ارتش پنجم روس (سپاه های ۲۵ - ۱۹ - ۵ - ۱۷) که
باجبههٔ عریض مشغول پیشروی بود در خط - ایزبیتسا - زاموستیه - سوکال -
(Izbica - Zamosc - Sokal) واقع شده و جناح راست خود را بسمت غرب خم
نمود (۲۵ کیلومتر) .

ارتش و اطریش با تمرکز عمده قوا در جناح چپ و یکقسمت در فاصلهٔ
بین ارتشهای و روس در جبههٔ تیشوتسی - زاموستیه (Tyszowce - Zamosc)
پیش میرفت و جناح راست خود را با حال درده و سوار نظام میوستاند . در آنروز جناح راست



حلقه خرافه‌های روس
(مطابق نسخه ۱۹۱۶)

و مرکز ارتش روس با ارتش اطریش تلافی کرده و منجر به عملیات پنجر و زه توماشو (Tomaszow) گردید .

روز ۲۶ اوت محاربه در جناح راست و مرکز جبهه طویل ارتش روس جریان داشت و منجر به عقب نشینی جناح راست آن بجاده کراسنوستاو - زاموسیه (Krasnostaw - Zamosc) گردید ولی روسها در قسمت مرکزی خود موفقیت حاصل کرده و سپاه ۱۹ روس اطریشها را درهم شکسته و بجبهه تارنوو انکا - را خانه (Tarnovatka - Rakhane) پیش رفتند . جناح چپ ارتش روس که مأمور بود برای تعرض قسمت مرکزی به توماشو مساعدت کند گردش بازو چپ خود را ادامه داده ولی هنوز با دشمن تماس نگرفته و جناح او را احاطه نکرده بود .

روز ۲۷ اوت جناح راست ارتش روس تحت فشار قوای افزون تر اطریش بر مرکز آن بسمت کراسنوستاو عقب نشست و مرکز آن لشکر هم قدری عقب رفته و گروه جنوبی سپاه های آن ارتش وارد عمل شد . این وضع سبب گشت که از طرفی بین ارتشهای روس شکافی باز شود و سمت خلم نیز مورد تهدید واقع گردد ، از طرف دیگر اطریشها که از احاطه شدن جناح راست خود نگران بودند نه فقط سپاه ۱۷ را که از عقب رسیده بود به آنجا سوق دادند بلکه گروه آرشیدوک ژوزف فردیناند را (۱ سپاه) نیز از لامبرگ بدانسو اعزام داشتند . در همان حال وضعیت در جبهه ارتش روس مخصوصاً در جناح راست آن بواسطه رسیدن سپاه ۱۸ رومی بودی گذاشت . اطریشها با احاطه کردن جناح راست و شکافتن مرکز آن ارتش موفق نشدند ولی توانستند سپاه کومر (Kummer) را از کراکوی آورده و در نزدیکی یوزفوو (Jozefow) بساحل راست و بستول عبور دهند . محاربات در جبهه این ارتش گرچه قاطع نبود ولی شدید بود .

بدین طریق اطریشها مجبور بودند نقشه عملیات خود را تغییر دهند و مرکز قل را بشکاف سمت خلم و عملیات در فواصل بین ارتش ۵ و ۳ روس انتقال دهند . ضمناً از کندی حرکت ارتش ۳ روس استفاده کرده ناحیه لامبرگ را بمنظور بسط

عملیات خود در احاطه هر دو جناح ارتش ۵ روس ضعیف کردند .

وضعیت دوارتس جناح راست روس که در مقابل آن اطریشها قوای افزونتری تمرکز داده بودند تا رسیدن ارتش ۳ سخت بود . لذا لازم میآمد که اطریشها در وارد نمودن ضربت قطعی بر روسها عجله کنند ، بهمین نظر آنها کوشش کردند که در ایام اخیر عملیات نو ماشو^۱ آن ضربت را وارد سازند .

روز ۲۸ اوت : ارتش ۵ روس موقعیت خود را در جناح راست و در مرکز خویش با وجود حملات جسورانه اطریشها حفظ کرد ، سپاه انتهای جناح چپ روسها که از طرف قوای جدید اطریشها پهلوئی آن مورد حمله واقع شده بود مجبور ب عقب نشینی گردید .

روز ۲۹-۳۰ اوت : محاربات شدیدی در سمت کراسنوستاو (Krasnostaw) دوام داشت و اطریشها توانستند بمقیب کراسنوستاو داخل شده و بدون اخذ نتیجه مثبتی بشکافتن مرکز هم موفق گردند . حملات اطریشها به پهلوئی چپ روسها دفع شد گرچه این موضوع در تصمیم ارتش ۵ برای شروع عقب نشینی آهسته ب سمت شمال تأثیری نداشت .

نماین شدید اطریشها برای تعرض رو بخاموشی میرفت و از طرف دیگر نمیتوانستند فرصت را از دست دهند چه گروه جنوبی ارتشهای روس نزدیک بود که با گروه شمالی داخل ارتباط عملیاتی شود .

عملیات گروه های شرقی روس تا لامبرگ (نقشه شماره ۱۱)

ارتش ۳ اطریش (۳ سپاه و ۴ لشکر مستقل) و قسمت مقدم ارتش دوم که از جبهه صربستان آمده بود برای تلافی با ارتشهای ۳ و ۸ روس که در حال نزدیک شدن بودند در جبهه استانیسلاو - هالیچ - برژزانی - بریشلیانی - سوکولووکا (Stanislau - Halicz - Brzezany - Przemyslany - Sokolovka) آرایش گرفته و منظور آنها جلوگیری از تعرض ارتشهای ۳ و ۸ (۷ سپاه) در سمت لامبرگ - رگاتین - هالیچ (Lemberg-Rogatine-Halicz) بوسیله عملیات عامل خود بود .

بدین طریق روسها در این گروه فوق عددی فوق العاده داشتند ولی با رسیدن ارتش ۲ اطریش از آن فوق ندریجا کاسته میشد .

ارتشهای ۳ و ۸ روس پس از مانور تعرضی جبهه ای که آهسته اجرا میشد با اندک تجمع سپاهها بطرف مرکز خویش در حدود استریا - زولوتایا و گنیلایا لیا (Strypa-Zolotaya-Gnilaya Lipa) با اطریشها مصادف شدند و ایشان را بسمت لامبرگ عقب راندند و تا ۳۰ اوت جلودارهای ایشان بخط سایژانکا - اوتروالد - گنیلایا لیا (Sapejanka-Unterwald-Gnilaya Lipa) رسیدند .
آروزهای خطرناکی که ارتش ۵ روس طی میکرد و آن وضعیت مساعدیکه جناح راست ارتش ۳ روس داشت که میتوانست در صورت اعزام شدن بسمت موستبول بعقب سپاههای اطریش که پهلوئی چپ ارتش ۵ روس را احاطه میکردند حمله ور شود ، در شخص فرمانده ارتش ۳ روس (ژنرال روزسکی) به از لحاظ سریع در راه یمانی ونه از لحاظ سوق جناح خود بسمتی که نه فقط باعث نجات ارتش ۵ میگردد بلکه کلیه نقشه اطریشها را هم وازگون بساخت ، هیچگونه تأثیری نبخشید .

در عین حال فرمانده جبهه از تاریخ ۲۶ اوت جداً اصرار داشت که ژنرال روزسکی بک سپاه به موستنی ول اعزام دارد و اصولاً حرکت دورانی تمام ارتش او را از شمال لامبرگ خواستار بود و عملیات برضد لامبرگ راهم در نظر داشت که بجهت ارتش ۸ واگذار شود .

ولی روزسکی بکلی سکوت اختیار کرده بود .

روز ۳۰ اوت موقعیکه ارتشهای ۳ و ۸ روس برای نزدیک شدن به لامبرگ مشغول محاربه بودند ، ژنرال ایوا ف فرمانده جبهه دو دستور ذیلرا برای ژنرال روزسکی صادر نمود :

اولاً - امر اکید در اعزام نصف قوای سوار نظام در آروز بناحیه موستنی ول - راواروسکا - نیمرو (Rawa-Ruska-Niemirów) برای تهدید عقب سردشمن که برضد ارتش ۵ مشغول عملیات بود و همچنین اعزام بک سپاه به موستنی ول - کامنکا .

ثانیاً - دستور مرکز فرماندهی کل را ابلاغ نمود که بموجب آن تمام عملیات طرف لامبرگ در دست روزسکی تمرکز مییافت ولی راجع با بر از مساعدت به ارتش ه با عبارات مبهمی خاطر نشان نموده بود. صدور این دو نوع دستور باعث شد که روزسکی برای پشتیبانی ارتش ه هیچ قوای تخصیص نداد.

نتیجه

از بررسی عملیات این مرحله یکم در جبهه روس و اطریش، که برای اطریشها مساعد بود، نکات ذیل را میتوان دریافت:

۱ - نقشه اطریشها که عبارت بود از اقدام به گردش (بازو چپ) با اتکاء بناحیه لامبرگ، و اساس آن بر روی امیدواری از عدم آمادگی و پراکندگی ارتشهای روس بود، تسریع در عملیات و تمرکز قوای مهم را در جناح چپ آنها با ابراز استقامت و یا فشاری در پایان رساندن آن نقشه ایجاب نمیکرد.

اطریشها هیچیک از آن شرایط را (که سرعت - تمرکز قوا - یا فشاری بود) انجام ندادند.

احاطه جناح راست روسها قبل از وقت قطع شد. در موقع ظهور کرداهای مقدم سپاه ۱۸، اطریشها حرکت احاطه ای خود را منوقف ساختند و بمرکز ارتش ه روس و بعد بجناح چپ آن حمله ور شدند، در صورتیکه ارتش ه روس در خلال این اوقات آنجا داخل عمل شده بود.

۲ - اطریشها از پیش آمد جدیدی که عبارت بود از ایجاد فاصله بین ارتشهای ه و روس و تراکم ارتشهای اطریش در آن حدود استفاده کردند و همچنین تراکم دیگر سپاههای ۱۷ و ۱۴ خویش را در مقابل جناح چپ ارتش ه روس، بمنظور فشردن آن ارتش، که منبسط شده و مشغول اجرای گردش بود نیز مورد استفاده قرار دادند. نکات مذکور را بایستی از افکار مثبت و قابل انعطاف ستاد ارتش اطریش محسوب داشت، گرچه با تناسب قوای حقیقی تطبیق نمیکرد.